

درس یازدهم

نقش خردمندان

املا و دانش زبانی

با توجه به متن درس، واژه‌هایی که حروف زیر را دارند، در جاهای مشخص شده، بنویسید.

ح	حمله	وحشت	حفظ	حرکتی	حدود	تحصیل
ه	چهل	هراس انگیز	ذهن	هنگام	هلاکو	همین

واژه‌ی میانی واژه‌های زیر را از متن درس پیدا کنید و بنویسید.

نویسنده	ریاضی‌دان	خواجه نصیرالدین توسی
شد	مشغول	کتاب‌ها
فروافتاد	مهیب	صدای
آغاز	زیرکانه	حرکتی
دانشمندان	جذب	برای

در جمله‌های زیر، به جای واژه‌های مشخص شده، واژه‌ی مناسب دیگری بنویسید.

خواجه نصیر با خود گفت: «جامعه برای **حفظ** (نگه...داری.....) خود به سه چیز نیازمند است.»

خواجه نظام الملک در شهر ری رصدخانه‌ای ساخت که دانشمندان در آنجا به **تحقیق** (...پژوهش.....) پرداختند.

در آسمان علم و فرهنگ ایران، ستاره‌های **پرفروغ** (درخشان.....) فراوانی می‌توان یافت.

او در دوازده شهر مهم، مدارس شبانه‌روزی **تأسیس کرد** (ایجاد کرد.....).

درک متن

الف) متن‌های زیر را بخوانید.

۱. گل‌های قرمز که انار می‌شود من همین طور می‌مانم که آخر چه طوری خدایا آخر چه طوری از هیچ چیز همه چیز درست می‌کنی کنار باغچه می‌نشینم یک مشت خاک برمی‌دارم و می‌گویم آخر قرمزی انار از کجای این خاک درمی‌آید شیرینی و قیافه‌ی قشنگش از کجا، یک خاک و این همه رنگ این همه بو این همه طعم خدایا به یادت می‌افتم حتی با دیدن دانه‌های سرخ انار

۲. گل‌های قرمز که انار می‌شود، من همین طور می‌مانم که آخر چه طوری؟ خدایا! آخر چه طوری از هیچ چیز، همه چیز درست می‌کنی؟ کنار باغچه می‌نشینم، یک مشت خاک برمی‌دارم و می‌گویم: «آخر قرمزی انار از کجای این خاک درمی‌آید؟ شیرینی و قیافه‌ی قشنگش از کجا؟ یک خاک و این همه رنگ، این همه بو، این همه طعم!» خدایا به یادت می‌افتم، حتی با دیدن دانه‌های سرخ انار.

ب) کدام یک از متن‌ها را بهتر فهمیدید؟ چرا؟ 

متن دوم، زیرا علامت‌های نگارشی در آن بکار رفته بود. این علایم به درست خواندن متن...

و دریافت مفهوم نوشته‌ها کمک می‌کند.


.....

.....

.....

.....

.....

پ) متن زیر را بخوانید و نشانه‌گذاری کنید. 

مردی تخم عقابی پیدا کرد و آن را در لانه‌ی مرغی گذاشت. جوجه عقاب با بقیه‌ی جوجه‌ها از تخم بیرون آمد و با آنها بزرگ شد. در تمام زندگیش او همان کارهایی را انجام داد که مرغ‌ها می‌کردند. برای پیدا کردن کرم و حشرات، زمین را می‌کند و قدقد می‌کرد و گاهی هم با دست و پا زدن بسیار، کمی در هوا پرواز می‌کرد.

سال‌ها گذشت و عقاب پیر شد. روزی پرنده‌ی باعظمتی را بالای سرش بر فراز آسمان دید و با خود گفت: «چه باشکوه! این همه زیبایی این همه قدرت!»

سپس از همسایه‌اش پرسید: «این کیست؟» همسایه‌اش پاسخ داد: «این عقاب است. سلطان پرنده‌گان. او متعلق به آسمان است و ما زمینی هستیم.»



داستان «آوازی برای وطن» (بخوان و بیندیش فصل سوم) را یک بار دیگر بخوانید و خلاصه‌ی آن را بنویسید، سپس نام جدیدی برای آن انتخاب کنید.

نام داستان: در جست و جوی وطن

زاغ بور دیگر حوصله قفس نداشت، دلش برای وطنش تنگ شده بود... صاحبش که دید او لب به چیزی نمی‌زند و فقط می‌گوید: کو-کو-وطنم... در قفس را باز کرد و او را بیرون انداخت. زاغ بور پر زد و رفت پیش سپیدار اما نمی‌توانست زیاد آن جا بماند. دلش برای وطنش تنگ شده بود به همین دلیل باز هم پرواز کرد و رفت و رفت

زاغ بور دوست نداشت هیچ جا بماند نه جویبار و نه باغ زیبا؛ پس او باز هم پرواز کرد تا به دریا رسید

هر چند هوا طوفانی شد اما او پر زد و رفت تا وطنش را پیدا کند. او حتی از کوه‌ها هم گذشت تا به

بیابانی خشک رسید. قلبش تند تند می‌زد. تنش گرم شد. ماسه‌های داغ را می‌شناخت. یاد کودکی

و همبازی‌هایش افتاد. ناگهان صدای سرود زاغ بورها را شنید و با آن‌ها هم صدا شد. او وطن خود را

یافته بود

.....

.....

.....

.....

.....

توجه:

- داستان را با حفظ ترتیب رویدادها، در ذهن خود مرور کنید. 🍌
- زمان، مکان و شخصیت‌های داستان را در خلاصه‌نویسی، حفظ کنید. 🍌
- پیام داستان را در بند پایانی، جمع‌بندی کنید. 🍌
- نشانه‌های نگارشی را در جای مناسب استفاده کنید. 🍌